

# مرواریدهای پارسی سروده‌های فلسفی ناصر خسرو

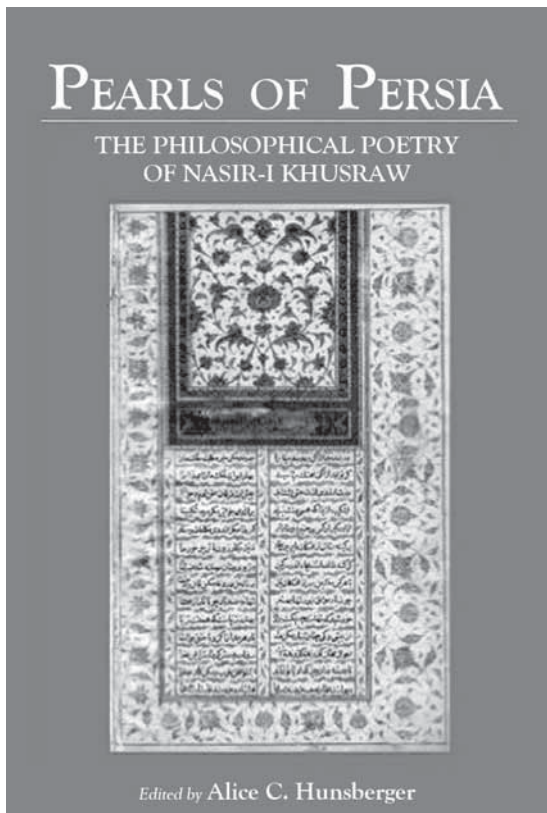
محبوبه شمشیرگرها\*

و نویسندگان مسلمان، ویرایش یا ترجمه متون دست اول یا دوم اسلامی، ترجمه اشعار و متون ادبی که میراث تجارب عارفانه و معنوی را در تاریخ مسلمانان بیان می‌کنند، آثاری در تاریخ و تفکر اسماعیلیه و ارتباط مکتب‌های فکری در اسلام، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌ها، تدوین کتاب‌شناسی‌ها و کاتالوگ‌هایی شامل اطلاعات نسخه‌های خطی و متون چاپی و مواد اطلاعاتی از فعالیت‌های این مؤسسه است.<sup>۵</sup>

یکی از آثاری که بارویکرد توجه به جنبه فکری و فلسفی اشعار ناصر خسرو، به تازگی به همت این مؤسسه انتشار یافته، مجموعه مقالات مرواریدهای فارس است که اغلب نوشتارهای آن مقالات کنفرانس بین‌المللی «شعر فلسفی ناصر خسرو»<sup>۶</sup> است.<sup>۷</sup> این کنفرانس در سال ۲۰۰۵ به مناسبت بزرگداشت هزارمین سالگرد تولد ناصر خسرو و با هدف بررسی جایگاه فنون ادبی و فلسفه در شعر او، به همت مؤسسه مطالعات اسماعیلی و بنیاد میراث فرهنگی ایران (IHF) و به کمک

مدرسه مطالعات افریقایی و آسیایی دانشگاه لندن (SOAS) برگزار شد. آلیس هانسبرگر، از پژوهشگران و اساتید عضو مؤسسه مطالعات اسماعیلی با همکاری دوریس برنس ابوسیف<sup>۸</sup> مسئولیت اصلی برگزاری این همایش بین‌المللی را - که دانشمندان و پژوهشگرانی از کشورهای ایران، روسیه، آلمان، انگلستان، تاجیکستان و آمریکا در آن سخنرانی کردند، بر عهده داشت.

آلیس هانسبرگر که ویراستار این مجموعه مقالات نیز هست، مدرک دکترای خود را در سال ۱۹۹۲ در رشته فرهنگ و زبان‌های خاورمیانه با گرایش زبان‌های فارسی و عربی از دانشگاه کلمبیا گرفت و پس از آن به تدریس و تحقیق در دانشگاه‌ها و مراکز علمی مختلف دنیا، بویژه مؤسسه مطالعات اسماعیلی پرداخته است. هر چند او مقالات زیادی درباره



*Pearls of Persia: The Philosophical Poetry of Nasir-i Khusraw.* Alice C. Hunsberger (Editor). I.B.Tauris Publishers, 2013.

ناصر خسرو از شاعران و نویسندگان بزرگ ادبیات تعلیمی فارسی است. تعلق و تعصب عمیق او نسبت به الهیات مذهب اسماعیلی، و بویژه ابلاغ آن در مقام داعی طریقت فاطمیان، موجب شده آثار او به عنوان یکی از داعیان بزرگ این مذهب از مضامین و تعالیم فکری و فلسفی سرشار باشد.

آثاری که از او باقی مانده بویژه جامع الحکمتین، خوان اخوان، وجه دین، زاد المسافرین، گشایش و ره‌هایش و روشنایی نامه گواهی بر عمق افکار و ذهن اندیشه‌مند او و نیز احاطه او بر فلسفه یونان، بویژه صورت نوافلاطونی آن، است. هر چند ساختار و قالب و نیز محتوای این آثار با یکدیگر متفاوت اند، اما هر یک از آن‌ها گوشه‌ای از معتقدات اسلامی و فلسفه اسماعیلی را از دیدگاه

مذهب اسماعیلی و نیز متفکران و نظریه‌پردازان آن پرداخته، مؤسسه تحقیقات اسماعیلی<sup>۴</sup> است. این مؤسسه در سال ۱۹۷۷ به منظور ارتقاء سطح دانش و پژوهش در حوزه فرهنگ و جوامع مسلمان در لندن تأسیس شد و عمده فعالیت‌های خود را در عرصه مطالعات تاریخی و معاصر، در جهان شیعه به طور کلی و بویژه شاخه اسماعیلیه سامان داد. برنامه‌های این مؤسسه به میراث مذهبی و نظری اسلام مربوط نمی‌شود؛ بلکه در پی آن است که با انجام مطالعات و تحقیقاتی هم در حوزه فلسفی و عقلانی و هم موضوعات ادبی، به ایجاد ارتباط میان مذاهب و کشف مشترکات آن‌ها بپردازد و در جهت کاستن دشمنی جوامع و فرهنگ‌ها بکوشد. چاپ و انتشار مقالات و کتاب‌هایی درباره ارتباط بین مذهب و جامعه با تأکید بر دین اسلام، جنبه‌هایی از باورهای اسلامی، سهم متفکران

ناصر خسرو، به قصد بیان حقیقت ماوراء طبیعت و غفلت زدایی از عقل و جان دیگر انسان‌ها، می‌نمایند. او در این آثار موفق شده از طریق ترکیب جدیدی که از زبان، لحن، آرایه‌های ادبی و فضا سازی هنری به کار می‌بندد، به سبک تعلیمی خاصی برای ارائه محتوای ذهنی و ارشاد مخاطبان دست یابد.

صرف نظر از مطالعاتی که درباره زندگانی ناصر خسرو<sup>۱</sup> و همچنین وجه ادبی آثار او در حوزه تصحیح، شرح و پژوهش در نثر و نظم صورت گرفته است<sup>۲</sup>، از گذشته تاکنون آثار او از حیث بر خورداری از مفاهیم دینی و فلسفی، بویژه در ارتباط تنگاتنگ آن با مذهب اسماعیلی، همواره مورد توجه و تحلیل پژوهشگران و ایران شناسان و اسلام شناسان داخلی و خارجی بوده است.<sup>۳</sup> یکی از مؤسسات پژوهشی که از بیش از سه دهه گذشته تاکنون به طور جدی به موضوع

ناصر خسرو و عقاید اسماعیلی در همایش‌ها و مجلات مختلف ارائه کرده، اما باید شهرت و اهمیت او را در این حوزه به تألیف اثر موفقش، لعل بدخشان<sup>۱</sup> و ابسته دانست.

مرور، ایده‌های فارس مانند بسیاری از اقران وزین خود، با مقدمه محققانه و ویراستار علمی آغاز شده که در آن، ضمن ارائه تصویر روشنی از موضوع اصلی، ساختار، علت و نحوه انتخاب و تدوین مطالب، به اختصار از هر یک از مقالات، یاد شده و نقش و جایگاه آن در ساختار مجموعه به منظور دستیابی به هدف کلی، بیان شده است. هانسبرگر در این مقدمه با عنوان «ناصر خسرو و شعر فلسفی»، ناصر خسرو را در صد سال اخیر، شاعری پیشستاز و متفکر در جهان فارسی‌زبان‌ها می‌داند که اشعار او حجم چشمگیری از گلچین‌های ادبی منتشر شده در ایران، هندوستان، چکسلواکی، انگلستان و امریکا را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، سفرنامه او نیز به نثر، سال‌هاست که در ایران، افغانستان، تاجیکستان و برخی کشورهای دیگر به عنوان یک متن پایه‌ای در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌های زبان و ادبیات فارسی گنجانده می‌شود. به اعتقاد او، با آن که زبان فلسفه اسلامی - به دلیل حضور پیش‌تازانی نظیر ابن‌سینا در این عرصه که غالباً آثاری به عربی از خود به جا گذاشته‌اند - عربی دانسته شده، اما نظر به سرشاری افکار فیلسوف‌مآبانه در آثار ناصر خسرو، سزاست زبان او (یعنی فارسی) زبان فلسفه اسلامی خوانده شود؛ چنان که رویکرد هانسبرگر نیز که به صورت گفتمانی روشن در تمام مقالات این مجموعه قابل مشاهده است، از اهمیت وجه متفکرانه و فیلسوفانه اشعار ناصر خسرو حکایت می‌کند. هر چند در این میان نمیتوان وجه شاعرانگی این متفکر را به خاطر حضورش در جرگه شاعران متقدم پارسی‌زبان، انکار کرد. هانسبرگر پس از یادآوری کوتاه اهمیت و روایی نام ناصر خسرو در برخی کشورهای نظیر ایران، تاجیکستان، هند و افغانستان در دوره معاصر، به اختصار به بیان دیدگاه‌های خود درباره شعر و فلسفه این شاعر فیلسوف می‌پردازد. همچنین او در این مقدمه با مرور مختصر آثار ناصر خسرو، سهم هر یک را در تبیین افکار و اعتقادات او روشن می‌سازد. ذکر اطلاعات کتاب‌شناختی قابل توجه درباره تصحیح و نشر هر یک از آن‌ها، بویژه دیوان این شاعر، از امتیازات نوشته و ویراستار در ابتدای کتاب است. مقالات گردآوری شده به ترتیب در سه مبحث کلی با عنوان «عقل و قوه ناطقه»،

«شعر فیلسوفانه: روشنی روح» و «شاعرانگی ناصر خسرو» گنجانده شده‌اند؛ هر چند این تقسیم‌بندی در فهرست، به طور مشخص فقط در دو بخش اول قابل مشاهده است.

در بخش اول به قوه ناطقه یا عقل و ارتباط آن با خلقت خداوند پرداخته شده است. ذکر عقل که از دیدگاه حکمت نوافلاطونی به عنوان اولین مخلوق محسوب می‌شود، موضوع فراگیر و غالبی است که در اشعار ناصر خسرو مرتباً تکرار می‌شود. در مقاله اول، فکور محمد هنزای در «جایگاه عقل در شعر و نثر ناصر خسرو»<sup>۲</sup> ابتدا به باورهای ناصر به منزله مسلمانان اسماعیلی توجه می‌کند. سپس با ارائه شواهد فراوانی از کاربرد عقل، نشان می‌دهد که این اندیشه‌مند رانمی‌توان ادامه‌دهنده مسیر فلاسفه و نظریه پردازان پیشین و هم‌تراز خود دانست؛ بلکه با عنایت به جایگاه خاص و نوین عقل ذاتی در نزد او، می‌توان خود را با ترسیم جدیدی از یک عقل تهذیب یافته در اشعار ناصر خسرو مواجه دانست. «ابعاد مذهبی و هستی‌شناختی عقل در شعر ناصر خسرو» از م. ج. اسماعیلی<sup>۱۱</sup> دیوان ناصر خسرو را پُر از جانمایه‌های تأمل و تعمق و ترغیب می‌داند؛ به طوری که خواننده در مرحله اول، این اشعار را حاصل عقل و نه احساس می‌شمارد. اسماعیلی با انتخاب و ذکر مثال‌هایی، ضمن انجام برخی مقایسه‌ها با افلاطون، ابن‌سینا، ارسطو و فارابی، به توضیح روش خاص فکری و فلسفی ناصر خسرو پرداخته، دیدگاه یک اسماعیلیه عالی‌رتبه را درباره مذهب و جامعه تبیین می‌کند. در ادامه همین بخش، دنیل رفیع‌نژاد در «من معدنی از ناطقه طلایی هستم: زبان شاعری و خودارجایی قاصید ناصر خسرو»<sup>۱۲</sup> به وجود سه جوهر احساسی، اندرز‌آمیز و احترام‌آمیز در قاصید ناصر تأکید میکند؛ که از این طریق امکان قیاس این شاعر فارسی‌وورز دورت<sup>۱۳</sup> را به لحاظ عکس‌العملی که هر دو نسبت به خود و جهان نشان می‌دهند، مطرح کرده، نشان می‌دهد چه‌طور در شیوه شاعری ناصر خسرو، تعصبات شدید و فلسفه در هم می‌آمیزند. لئونارد دلویژن در «قصیده ناصر خسرو به سوی عقل و روح جهانی و بشری»<sup>۱۴</sup> ترجمه ادبی کاملی از یکی از مهم‌ترین قاصید این شاعر با ۶۷ بیت و مطلع «بالای هفت چرخ مدور دو گوهرند که نور هر دو عالم و آدم منورند» را به همراه مقدمه‌ای در توضیح آن به دست می‌دهد. به اعتقاد او این شعر می‌تواند نمودی از پیام‌های فلسفه اسماعیلی درباره عقل بشری باشد که در مقابل دیدگان مخاطب متصور می‌شود.

بخش دوم کتاب دربردارنده مقالاتی است که بیشتر به اشعار فلسفی ناصر خسرو و تأثیر آن‌ها بر زندگی و روح شاعر و خواننده، نظر دارد. در نوشتار اول از محمد آزادپور با نام «ناصر خسرو، تصوّر و شاعران روشنفکر»<sup>۱۵</sup> بر دو مفهوم و حرکت معنادار در عصر پیامبر اسلام (ص) یعنی تنزیل و تأویل تمرکز شده است.<sup>۱۶</sup> به اعتقاد آزادپور، شاعری ناصر خسرو نشان می‌دهد که تأویل به تربیتی در جهت رشد ظرفیت و امکان تصویرسازی نیاز دارد. قدرت ناصر خسرو در این خصوص تا اندازه‌ای است که حتی خواننده نیز کم‌کم پس از مانوس شدن با آثار او، خود را آماده تأویل می‌بیند.

مهدی امین رضوی در «شاعری ناصر خسرو از سفر اخلاقی و ایجاد اخلاق فرامادی»<sup>۱۷</sup> از وجود یک پارادایم اخلاقی در آغاز آموزش سفر روحانی سخن گفته و با ذکر نمونه‌هایی، بنیاد اخلاقی شعر ناصر را در دو سطح مادی و فرامادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

«روشنایی‌نامه و کیهان‌شناسی ایرانی پیشین» عنوان نوشتار دیگری است که محسن ذاکری<sup>۱۸</sup> در آن از امثال و گفتارهای حکیمانه‌ای سخن می‌گوید که به نظر او تعداد چشمگیری از آن‌ها ریشه در تعالیم موجود در منابع پهلوی (مثل بُندهشن و دینکرت) دارد که این مفاهیم به سنت اسلامی - عربی راه یافته‌اند.

میخائیل برد در سومین نوشتار این بخش با نام «شاعری ناصر خسرو»<sup>۱۹</sup> شعر او را به ماهو شعر تحلیل می‌کند. بدین ترتیب که پس از بیان نقاط اوج شعر ناصر خسرو به لحاظ دربردارندگی موضوعات فلسفی مانند برخی سخنسرایان دیگر نظیر عمر خیام، میلتن، اسپنسر و اسماعیل کوهی، در این نوشتار فنون شعری یکی از سروده‌های او مورد بررسی قرار می‌گیرد تا این نکته که شعر این شاعر چیزی فراتر از صرف اخلاق و فلسفه است، از نظر دور نماند.

نصرالله پورجوادی در «شنوایی با راهی از بینایی: زبان حال در شعر ناصر خسرو و سؤالی درباره سرایش روشنائی‌نامه»<sup>۲۰</sup> شیوه زبان حال‌گویی را به منزله عاملی در برانگیختگی موجی از سرزندگی و نشاط در شعر شاعران می‌داند که هر چند با کلام ایجاد می‌شود اما به ایجاد قدرت تجسم می‌انجامد. ناصر خسرو نیز مانند دیگر شاعرانی که به این شیوه در سرایش خود توجه دارند، از عناصری مانند طبیعت، جهان، زمان و گیاهان بسیار سخن می‌گوید؛ طوری که گویی حس شنیدن و دیدن را به قلب خواننده وارد می‌کند. وی سپس با تأملی بر زبان حالی که در روشنائی‌نامه به چشم می‌خورد،

نتیجه می‌گیرد که این مثنوی نمی‌تواند به ناصر نسبت داده شود.

در ادامه بخش پایانی کتاب، آلیس هانسبرگر در «به جای سخن: شعری فلسفی از ناصر خسرو»<sup>۲۱</sup> قصیده‌ای را با مطلع «کمیت سخن را ضمیر است میدان اسوارش چه چیز است؟ جان سخندان» مورد بررسی قرار داده و ضمن تحلیل نحوه خلق تصاویر ادبی در قصیده، نکات فلسفی مطرح در آن را بیان می‌کند. توضیح این که چه طور یک شاعر به اثرش ساختار می‌بخشد و تبیین نحوه برقراری ارتباط بین کلمات با عنایت به آفرینش تصاویری هنری و معنایی فلسفی در پس ظاهر شعر، از مهم‌ترین مباحث این مقاله است. در ادامه، قصیده‌ای دیگر با مطلع «شاید که حال و کار دگرسان کنم اهرچ آن بهست قصد سوی آن کنم» از جولی اسکات میثمی در «ساختار سمبلیک در شعر ناصر خسرو»<sup>۲۲</sup> تحلیل شده است.<sup>۲۳</sup> پیام کلی این مقاله آن است که ساختار داخلی قصیده، ساختاری بی‌روح و مرده نیست که معنا بر آن حمل شده باشد؛ بلکه ناصر نظام‌واره‌ای را شکل داده که با تأمل در آن می‌توان دریافت که چه طور ساخت ظاهری شعر او، درست مانند معنا سطر به سطر برای پیشبرد افکار فلسفی مورد نظر پیش می‌رود. در همین راستا یکی از اجزای تأثیرگذار شعر، قافیه است که در نوشتار بعد، «قافیه در شعر ناصر خسرو»، مورد توجه و تحلیل فین تیسن قرار گرفته است.<sup>۲۴</sup>

سرانجام این فصل با نوشتار «ناصر خسرو: شاعری که در افکارش گم شده است» به قلم جولی اسکات میثمی<sup>۲۵</sup> به منزله نتیجه‌گیری اثر، به اتمام می‌رسد. ضمن این که این مقاله از برخی مشکلات و مبهمات شعر ناصر خسرو بحث می‌کند؛ نظیر این که مخاطب او چه کسی بوده؟ یا بارزترین ویژگی سبکی او چیست؟ در پایان همچنین پیشنهادهایی برای ثمربخشی برخی زمینه‌های پژوهشی در این باره، ارائه می‌کند.

در خاتمه باید گفت ارزش مقالات مندرج در این اثر، مقدمه موجز اما نظام‌مند و نیز اطلاعات دقیق کتاب‌شناختی که در سراسر کتاب از جمله میان سطرهای متن و همچنین در پی نوشت مقالات و انتهای مجموعه به چشم می‌خورد<sup>۲۶</sup>، به گونه‌ای است که مراجعه به آن را برای هر ناصر خسرو پژوه و محقق که قصد مطالعه در حوزه معتقدات و فلسفه اسماعیلیه دارد، ناگزیر ساخته است.

\* پژوهشگر گروه پژوهش‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۱. در این باره رک. محمدرضا خوشدل، غریب دره یمگان: داستان زندگی ناصر خسرو قبادیانی، با نظارت عباس خیرآبادی، ویراسته حمیدرضا نگهبان، (مشهد: آستان قدس رضوی-شیرکت به نشر، ۱۳۸۴) و همچنین: محمود حکیمی، در مدرسه ناصر خسرو قبادیانی، (تهران: قلم، ۱۳۸۳)

۲. نتیجه برخی از این تلاش‌ها به خامه پژوهشگرانی نظیر علی دشتی، جعفر شعار، مهدی محقق و رحیم مسلمانیان قبادیانی قابل مشاهده است.

۳. هر چند آثار فراوانی از سوی پژوهشگران و ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان متعدد نظیر فرهاد دفتری، ویلفرد مادلونگ، جعفر سبحانی، محمدجواد مشکور، آندری یوگنیویچ برتلس، هانری کربن، مهدی محقق و احسان الهی ظهیر به زبان‌های مختلف بویژه فارسی، انگلیسی و عربی درباره تاریخچه و عقاید اسماعیلیه وجود دارد، اما در این جا به عنوان نمونه، برای کسب اطلاعات بیشتر، رک. مدخل «اسماعیلیه» در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی؛ همچنین برای تفصیل بیشتر، رک. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، (تهران: نشر پژوهش‌فرزان روز، ۱۳۸۵)؛ فرهاد دفتری، تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، (تهران: فرزان روز، ۱۳۹۳)؛ جعفر سبحانی تبریزی، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، (قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۷-۸، ۱۳۹۳)؛ همچنین اسماعیلیه، گروه مذاهب اسلامی، (قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰)؛ همچنین رجوع به مدخل ismailism در دایره‌المعارف ایرانیکا شاخه‌های متعددی از مطالعات در این حوزه را به روی پژوهشگر می‌گشاید که هر یک اطلاعات مهمی در این باره و بویژه در خصوص کتاب‌شناسی اسماعیلیه در بردارد. قابل ذکر است که از زنده‌ترین شروع فلسفه و حکمت ناصر خسرو را نیز باید در این دست پژوهش‌ها جست.

4. The Institute of Ismaili Studies.  
۵. برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخچه و فعالیت‌های این مؤسسه رک. <http://www.iis.ac.uk>

6. The Philosophical Poetry of Nasir-i Khusraw , 17-18 September 2005

۷. شاید بتوان از یادنامه ناصر خسرو که در سال ۱۳۵۵ و در پی برگزاری کنگره جهانی ناصر خسرو در ایران و به همت دانشگاه فردوسی مشهد منتشر شد، به عنوان نمونه فارسی این اثر یاد کرد و آن را از حیث وجود مقالاتی از برترین محققان ناصر خسروشناس و پرداختن به محتوای آثار او در این مقالات، آن را برابری وزین و قابل مقایسه برای این اثر دانست.

8. Doris Behrens-Abouseif  
9. Nasir Khusraw, the Ruby of Badakhshan: A Portrait of the Persian Poet, Traveller and Philosopher, London. 2000

این کتاب با نام ناصر خسرو، لعل بدخشان: تصویری از شاعر، جهانگرد و فیلسوف ایرانی به قلم فریدون بدره‌ای

ترجمه شده است (نشر فرزان‌روز، ۱۳۸۰).

10. "The position of 'Aql in the Prose and Poetry of Nasir-I Khusraw" by Faquir Muhammad Hunzai

11. "Ontological and Religious Aspects of the Intellect in Nasir-Khusraw's poetry" by M.J.Esmaili

12. "I Am a Mine of Golden Speech: Poetic Language and Self-Reference in Nasir-i Khusraw's Qasidas" by Daniel Rafinejad

13. Wordsworth

14. "Nasir-i Khusraw's Ode to the Universal Soul and Intellect" by Leonard Lewisohn

15. "Nasir-i Khusraw, Imagination and the Poetics of Enlightenment" Mohammad Azadpur

۱۶. درباره تأویل در آثار ناصر خسرو، رک. رساله کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «تأویل در آیات و احادیث موجود در آثار ناصر خسرو» که در سال ۱۳۸۵ در دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی دفاع شد. همچنین رک. رضا روحانی، «قرآن و تأویل آن از دیدگاه ناصر خسرو»، نشریه الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، (زمستان ۱۳۸۱. شماره ۵۸. صص ۶۹-۹۴)

17. "Nasir-i Khusraw's Poetics of the Moral Journey and the Foundations of the Metaphysics of Morals" by Mehdi Aminrazavi

18. "The Rawshanai-nama and Older Iranian Cosmogony" by Mohsen Zakeri

19. "Nasir-i Khusraw's Poetics" by Michael Beard

20. "Hearing by Way of Seeing: Zaban-I hal in Nasir-i Khusraw's Poetry and the Question of Authorship of the Rawshanai-nama" by Nasrollah Pourjavady

21. "On the Steed of Speech: A Philosophical Poem by Nasir-i Khusraw" by Alice Hunsberger

22. symbolic structure in a poem by "Nasir-i Khusraw" by Julie Scott Meisami

۲۳. هر چند اشاره شده که این نوشتار قبلاً در ایران در سال ۱۹۹۳ منتشر شده، اما هیچ نشانی از منبع مورد نظر در این کتاب یافت نمی‌شود. جست‌وجو در پی یافتن محل درج این مقاله نیز نتیجه‌بخش نبود.

24. "Rhythm in Nasir-i Khusraw's Poems" by Finn Thiesen

25. "Nasir-i Khusraw: A Poet Lost in thought?" by Julie Scott Meisami

۲۶. این کتاب‌شناسی را می‌توان به منزله تکمله‌ای در کنار کتاب‌شناسی مفصل موجود به شمار آورد: علی میرانصاری، کتاب‌شناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، به کوشش علی میرانصاری، (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۲).